

اخبار کارگری

استمرار روند بیکاری
مهمانداران ریلی

با ادامه وضعیت حاد کرونا در کشور و کاهش ۸۰ درصدی مسافران قطار، روند بیکاری عوامل صنعت ریلی کماکان ادامه دارد. به گزارش ایلنا، بسیاری از سرمهمانداران و مهمانداران و ماموران پذیرایی شرکت‌های پیمانکاری ماه‌هاست فعالیت شغلی نداشته‌اند. بررسی‌هایشان می‌دهد میانگین سابقه اغلب مهمانداران بیکار شده ۵ تا ۱۰ سال است و شرکت‌های حمل و نقل مسافری ریلی به بهانه کمبود مسافر در مرحله نخست اقدام به حذف قطارها از مسیر و در مراحل بعدی اقدام به تعدیل نیروی کار این قطارها به ویژه مهمانداران می‌کنند. یکی از مهمانداران قطار با بیان اینکه در سال جدید به دلیل شیوع ویروس کرونا مسیر قطارها به کندهی انجام می‌شود و در برخی موارد اصلاً مسافری برای جابه‌جایی وجود ندارد، افزود: این موضوع باعث شده تا روند تعدیل مهمانداران که از ابتدای سال آغاز شده، هم‌اکنون نیز ادامه یابد. طوری که حتی در یک ماه گذشته شاهد تعدیل شمار دیگری از مهمانداران نیز بوده‌ایم.



به گفته‌ی وی، کارفرمای این شرکت پیمانکاری می‌گوید با توجه به کاهش مسیر و برای کاهش هزینه‌های جاری ناشی از کرونا ناچار اقدام به چنین تصمیمی گرفته‌است. به ادعای این مهماندار بیکار شده، در عین حال مسئولان مرتبط در راه‌آهن و شرکت‌های ریلی مدعی هستند که مسئولیتی در قبال کارگران پیمانی ندارند به همین دلیل جدا از تعدیل، آنها در خصوص مطالبات مزدی و بیمه‌ای کارگران پیگیری خاصی نمی‌کنند. این مهماندار گفت: از ابتدای آمدن کرونا تا امروز یعنی بیش از هفت ماه است که روند بیکاری مهمانداران و سایر نیروی کار مسیر و حرکت و فنی قطارها به بهانه کاهش مسافر ادامه دارد و نتیجه آن جز افزایش مشکلات معیشتی نیست.

■ ■ ■

کارگران شهرداری سده،
سه ماه موقوفه‌مزدی دارند

پرداخت دستمزد حدود ۳۲ کارگر مجموعه شهرداری سده از توابع شهرستان اقلید در استان فارس دست کم سه ماه به تأخیر افتاده است. به گزارش ایلنا، این کارگران با بیان اینکه مهم‌ترین عامل پرداخت نشدن مزد آنها کمبود نقدینگی و نبود منابع مالی است، گفتند: در حالی سه ماه موقوفه طلبکاریم که مطالبات مزدی مادر اردیبهشت ماه سال جاری به‌طور کامل پرداخت نشده و یک و نیم ماه حقوق از سال ۹۷ نیز طلبکاریم. آنها با بیان اینکه آخرین حقوقی که دریافت کرده‌ایم مربوط به دستمزد خرداد ماه سال جاری است که اخیراً دریافت کرده‌ایم، افزودند: جدا از معوقات مزدی، پرداخت حق بیمه کارگران نیز به تأخیر افتاده و با مشکلاتی روبه‌روست. به گفته آنها، به‌هم خوردگی وضعیت مزدی در سال جاری به اندازه‌ای بود که در برخی ماه‌ها نمی‌دانستیم چقدر طلب داریم و چه میزان دریافت کرده‌ایم. این کارگران گفتند: بارها از شهردار و شورای شهر درخواست کرده‌ایم تا حقوق معوقه را پرداخت کنند ولی مسئولان تنها قول می‌دهند و در عمل کاری انجام نمی‌شود.

■ ■ ■

کارگران زغال سنگ سوادکوه:
خواستار اجرای طرح
طبقه‌بندی مشاغل هستیم

برخی از کارگران پیمانکاری شاغل در معادن زغال سنگ سوادکوه، رفع مشکلات اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل برای افزایش دستمزد و پاداش را خواستار شدند. این عده در گفت‌وگو با ایلنا گفتند: اجرا نشدن طرح طبقه‌بندی مشاغل در این واحد معدنی باعث ایجاد شکاف درآمدی میان کارگران شده طوری که در عمل کارگران به نسبت مساوی از مزایای مزدی برخوردار نیستند. آنها گفتند: یکسان‌سازی حقوق تا به حال برای کارگران پیمانکاری این واحد معدنی که حدود ۸۰ کارگر شاغل دارد، به درستی اعمال نشده و این مسئله موجب شده افزایش دستمزد کارگرانی که سال‌هاست در این واحد معدنی به کارهای سخت مشغولند، متناسب با سوابق کاری آنها نباشد. کارگران این واحد معدنی در عین حال یادآور شدند: یکی دیگر از مطالبات کارگرانی که تحت پوشش پیمانکار مشغول کار هستند، پرداخت مابه‌التفاوت طرح طبقه‌بندی از سال ۹۶ تاکنون است.

در اقتصاد رفاقتی،
سیاستمداران مشغول
توزیع رانت و تشکیل انواع
مافیاً و انحصار هستند تا
دوباره بتوانند انتخاب شوند
و بر سر کار باقی بمانند.
در چنین سیستمی همه
مسائل واقعی اقتصادی
کشور به سخره گرفته
می‌شود

تخصص داشته باشند و به دنبال اطلاعاتی باشند که در سطح جهان به تغییر ماهیت شغل می‌پردازند ولی وقتی یک فرد غیرمتخصص را وزیر کار می‌کنند و به هر یک از مدیران لقب دکتر و مهندس می‌دهند، مشخص است که این مدیر و این آقای دکتر و مهندس خود را بی‌نیاز از مشاوره گرفتن از متخصصان امر برای ایجاد اشتغال می‌داند. از سوی دیگر در این مجموعه، مشاور خوب، مطیع است و او باید از محضر وزیر رهنمون بگیرد! لذا می‌توان گفت ما با عدم شایسته‌سالاری که در سیستم جا انداختیم، بسیاری از مفاهیم و مابها را از آنها را دچار تغییر اساسی کردیم. به عبارت دیگر ۱۸۰ درجه با اصل آنچه باید برای ایجاد شغل فراهم می‌کردیم، فاصله داریم. از آنچه در سطح جهان انجام می‌شود نیز به شدت فاصله داریم لذا آنچه به عنوان ایجاد شغل انجام می‌شود، فقط یک کاریکاتور وطن‌زاست.

در نتیجه وجود چنین دولتی، وقتی شما به جای اینکه به علم و دانش، به کارایی و بهرهوری افراد اهمیت بدهید، به مدرک اهمیت می‌دهید، مدیران هم فقط به فکر جمع‌آوری مدرک برای خود هستند نه کسب تخصص! از این جهت است که اقتصاد ما بسامان نمی‌رسد و هر چه اقتصاددانان راهکار بدهند، فایده‌ای ندارد.

اشاره کرد. معمولاً مدیران ماحتماً یا باید یک سر و گردن از فردی که مشاوره آنهاست، بیشتر بلد باشند یا خود را آگاه‌تر می‌دانند. وقتی فرد، مکانیکی را به عنوان مشاور خود در امر بیماری فلج اطفال استخدام می‌کند یا وقتی یک نفر که در حوزه فلج اطفال تخصص دارد وزیر فلان وزارتخانه می‌شود یا مشاور فلان وزیر ما ربطی به این حوزه ندارد، یعنی هر آنچه علم اقتصاد درباره موضوعات مختلف سخن گفته، به سخره گرفته شده است. وقتی مدیران و مشاورانی که انتخاب می‌کنند شایستگی‌های لازم در مدیریت اقتصادی ندارند قطعاً بقیه اجزای سیستم هم ناهماهنگ عمل می‌کنند. متأسفانه در ایران عموماً کسانی به عنوان مشاور انتخاب می‌شوند که از پست و سمت خود بیرون آمده‌اند لذا برای اینکه کاری ندارند، مسئولان که رفقای آنها محسوب می‌شوند بلافاصله مسئول معزول قبلی را به عنوان مشاور انتخاب می‌کنند. مشخص است که موضوع مهمی چون اشتغال‌زایی با شکست مواجه می‌شود. از سوی دیگر یکی از مهمترین فعالیت‌های مشاورین در سیستم فعلی، کاری غیر از چالپوسی و بله قربان‌گویی بلد نیست یا از سوی دیگر اگر مشاور خوب و مطیع انتخاب شده باشد، اگر نظر واقعی خود را ارائه دهد مدیر مربوطه مشاوره‌اش را نمی‌پذیرد، به این خاطر که مسئولان ما انتقادپذیر نیستند. بنابراین اگر مدیری بخواهد علمی با موضوعی برخورد کند، کنار گذاشته می‌شود.

■ **برای ایجاد اشتغال در دنیای امروز چه موضوعاتی باید مورد نظر قرار بگیرد؟**
اگر واقعاً به دنبال ایجاد اشتغال هستیم باید مقتضیات دنیای جدید را بشناسیم. ماهیت تغییر شغل در دنیا را باید درک کنیم، جابه‌جایی‌هایی را که در سطح دنیا در حال شکل گرفتن است و آینده مشاغل را شکل می‌دهد، جابه‌جایی ثروت، کار، قدرت و تکنولوژی که در آینده جای بشر را می‌گیرد و بخش بزرگی از کارها به دست تکنولوژی‌های روز انجام می‌شود را به درستی بشناسیم. لازمه این موضوع این است که مدیران مادر حوزه ایجاد اشتغال به معنی واقعی



خواهان ایجاد شغل نباشند، بلکه مسئولان به دلایل زیادی نمی‌توانند شغل ایجاد کنند.

■ **مهمترین این دلایل چیست؟**
اولین دلیل این است که کارها به دست افراد متخصص و شایسته سپرده نمی‌شود. هر چند عالم بودن به تنهایی کافی نیست اما یک شرط لازم به شمار می‌رود. مثل این است که فردی باید عمل جراحی شود. این بیمار باید حتماً به یک متخصص مراجعه کند. بیمار نمی‌تواند به کسی که درس خوانده و فارغ‌التحصیل دانشگاهی است مراجعه کند. اینجا سواد کفایت نمی‌کند. باید نزد کسی برود که مهارت لازم در آن رشته و تخصص لازم داشته باشد و تجربه کافی هم در جراحی داشته باشد. در عرصه اقتصاد هم این موضوع مصداق دارد. وقتی دولتمردان و مسئولان سواد اشتغال‌زایی را ندارند، چند رئیس

جمهور و وزیر هم روی کار بیایند و بروند، وضعیت تغییری نمی‌کند چرا که از یک مدیر عامی و بی‌سواد در این رشته نمی‌توان انتظار داشت که ایجاد اشتغال کند. وقتی مدیران تخصص اقتصادی ندارند و مسائل اقتصادی کشور به دست یک مجموعه کاردان اداره نمی‌شود، انتظار ایجاد اشتغال یک انتظار بی‌فایده است. دولت باید به جوانانی که به آنها وعده کار داد پاسخ دهد که چرا وعده‌های خود را عملی نکرد؟

ایجاد اشتغال شبیه نوشتن یک مقاله است. همان‌طور که نوشتن یک مقاله علمی نیاز به مؤلفه‌های مهمی چون تخصص، دانش، مطالعه و پژوهش دارد، ایجاد اشتغال نیز نیازمند دانش لازم و اراده و مدیریت تواناست، هر چند که بسترهای لازم برای امر سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی هم باید آماده شده باشد. در صورتی که تمامی لوازم و الزامات ایجاد اشتغال فراهم نشده باشد ممکن نیست بتوان شغلی ایجاد کرد. ایجاد شغل چون یک کار تخصصی است. اگر متضاد آن در جامعه و در بین مدیران رواج بیابد، یعنی حرف زدن، قطعاً شغلی ایجاد نمی‌شود. در صورتی که بسترهای لازم فراهم نشده باشد، هر مدیری که بیشتر حرف می‌زند، توانایی کمتری برای ایجاد اشتغال دارد.

یکی از مهمترین دلایل عدم افزایش رشد اشتغال در کشور، عدم تخصص مدیران در رشته‌ها و بخش‌هایی است که بر آن مکرار شده‌اند. دولت فقط از ایجاد شغل حرف می‌زند اما شغلی ایجاد نمی‌کند، در حالی که اگر دولتی روی کار می‌آید که در رشته‌های مختلف اقتصادی متخصص بود، قطعاً پشت سر سخن گفتن از ایجاد شغل، به عمل منتهی می‌شد. می‌توان گفت دو صد گفته چون نیم کردار نیست! البته نباید بی‌انصافی کرد. نه اینکه دولتمردان

■ ■ ■
■ **ایجاد اشتغال نه تنها در زمینه اقتصادی یک موضوع مهم و قابل اعتناست، بلکه در زمینه‌های امنیتی هم یک مؤلفه برای آرامش و ایجاد ثبات روانی و امنیتی در جامعه به شمار می‌رود. چرا در رسیدن به این موضوع که از جهات بسیاری تأمین‌کننده ثبات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است توجه کافی صورت نمی‌گیرد؟**

پروسی

یک مطالعه دانشگاهی نشان داد:

مصائب اشتغال به شغل بی‌ارتباط با رشته تحصیلی

تلگرام انتخاب شده و مورد پژوهش قرار گرفتند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که شغل بیش از ۷۰ درصد از افراد مورد مطالعه با اصلاً ارتباطی با رشته تحصیلی دانشگاهی شان نداشته یا اینکه ارتباطش قابل توجه نبوده است. همچنین فقط حدود ۱۲ درصد از پاسخگویان، از شغل خود راضی بودند. بقیه یا راضی نبودند یا رضایتشان اندک بوده است.

علاوه بر این طبق نتایج به‌دست آمده از این تحقیق، بیش از ۶۰ درصد افراد، فشار شغلی بالا و ۴۰ درصد دیگر نیز به نحوی استرس شغلی را تحمل کرده‌اند. حدود ۹۰ درصد آنها نیز به بیگانگی بالا از کار دچار بودند یا به نحوی با کار خود بیگانه بودند.

علی شکوری، محقق و عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و همکار دیگرش در این پژوهش می‌گویند: «در رابطه با شغل، واکنش‌های نگرشی و عاطفی، در بین مردان بیشتر از زنان است. به عبارت دیگر، زنان در این خصوص حساس نبودند و از این که شغلی داشتند تا حدی استرس نسبتاً کمتری احساس می‌کردند و خود را با کار، خیلی بیگانه نمی‌دانستند.

چنین نتیجه‌ای با توجه به تبعیض تاریخی

یکی از مهم‌ترین اهدافی که جوانان از اشتغال به تحصیل در دانشگاه دارند، امید به یافتن شغلی مناسب رشته تحصیلی و شان و شئونات آنهاست اما این اتفاق اغلب شکل نمی‌گیرد و افراد و در مقیاس بزرگ‌تر، جامعه با مشکلات متعددی روبه‌رو می‌شوند. محققان کشور به بررسی این مسأله پرداخته‌اند.

به گزارش ایسنا، فلسفه ایجاد مراکز آموزش عالی، تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص در جهت یافتن پاسخی به نیازهای متعدد جامعه مدرن است. آموزش عالی، به ارائه مهارت‌های عملی و تخصص‌های نظری معطوف است، طوری که شامل دنیای کار در تمام وجوهش از جمله آموزش، فراگیری، تحقیق و حکمرانی با صلاحیت‌های حرفه‌ای مورد نیاز آن است. فرض بر این است که این نوع آموزش‌ها، از آنجایی که کار کردهایی همچون متنوع‌سازی فرصت‌ها و ارتقای اشتغال‌پذیری توأم با صلاحیت‌های اشتغال را با تأکید بر نوآوری‌ها در حوزه‌های مختلف در پی دارد، در عمل سبب متفع شدن دانش‌آموختگان و جامعه خواهد شد.

به عقیده متخصصان علوم اجتماعی، به‌رغم اهمیت توسعه آموزش عالی و به دنبال سیاست غالب کشورها اعم از توسعه یافته و



نسبت به زنان و تفسیر آنها از این که صرف داشتن شغل، خودنوعی کسب حداقل امتیاز از دست‌رفته تاریخی‌شان است قابل درک می‌نماید». آنها می‌افزایند: «همچنین تحلیل‌ها نشان داد که افراد دارای تحصیلات بالاتر، بیشتر از دیگران واکنش‌های سلبی از خود نشان می‌دهند. همچنین هر چه سن کارمندان این نوع مشاغل کمتر باشد، واکنش‌های نگرشی و عاطفی آنها بیشتر خواهد بود. در واقع، افراد دارای سن بالاتر تا حدی توانسته بودند خود را با شرایط تطبیق دهند». طبق نتایج حاصله، واکنش‌های نگرشی و عاطفی در بخش غیردولتی بالاتر است که احتمالاً بدین سبب است که افراد در بخش دولتی، ایمنی بالایی را به لحاظ